



شیرین رحیمی:

دبیر کل بانوان انجمن دفاع از حقوق مصدومین شیمیایی سردشت

زنان مصدوم شیمیایی: رنج مضاعف...

یکی از مشکلات عمده ناشی از مصدومیت شیمیایی زنان، علاوه بر تحمل درد و رنج و مصدومیت، رفت و آمد بین سردشت و مراکز درمانی است که اغلب در تهران قرار دارند. اقامتهای چندین ماهه در مراکز درمانی باعث از هم گسیختگی خانوادهها و موجب وقفه جدی و عمیق در تربیت فرزندان آنان شده است. با مطالعه وضعیت تحصیلی فرزندان این زنان، صحت این ادعا قابل اثبات است، از همین رو، رسیدگی جدی به این زنان و فرزندان آنان، امری عاجل و ضروری است.

با آنکه بیش از ۵۰ درصد مصدومین شیمیایی روز هفت تیر سال ۶۶، زنان و دختران بوده اند، اما عکسها و نوشته ها و اطلاعات منتشره، به هیچ وجه بیانگر وضعیت آنان نیست. به نظر من، علت اصلی این امر، غیبت زنان مصدوم شیمیایی در صحنه و بیان نشدن آلام، دردها و مصائب آنان است.

اگر اجتماع در بیان مشکلات زنان و دختران مصدوم شیمیایی، کوتاهی کرده است، خود زنان و دختران مصدوم برای تغییر قضا و آگاهی بخشیدن به اجتماع چه کرده اند جز سکوت؟ انجمن دفاع از حقوق مصدومین شیمیایی سردشت، در راستای بیان کامل واقعیتهای بمباران شیمیایی سردشت و آشنایی جامعه با مشکلات زنان و دختران مصدوم شیمیایی، اقدام به تشکیل کمیته بانوان و اهداف خاصی را تعیین و تعریف کرده است. برای دستیابی به این اهداف، همکاری گسترده و وسیع بانوان مصدوم شیمیایی با این کمیته و نیز مساعدهتهای بانوان غیر مصدوم و فعالین حقوق زنان، موجب دلگرمی و موفقیت انجمن خواهد بود.

من بر این باورم که برای درمان یک درد، نخست باید آن را به درستی تبیین کرد و تمامی جوانب آن را توضیح داد و سپس به چاره سازی پرداخت. بی تردید همیاری زنان مصدوم شیمیایی و گام نهادن در این راه، نخستین مرحله برای آشنا ساختن جامعه با حقوق انسانی آنان است.

در جریان بمبارانهای هوایی نقاط مرزی و کردنشین ایران طی دوران جنگ هشت ساله، زنان بسیاری، جانباز یا شهید شدند و یادری اسارت، شهادت و یا جانبازی همسرانشان، انجام وظایف آنان را به عهده گرفتند و همزمان، هر دو نقش مرد و زن را ایفا کردند. البته این وضعیت برای زنان کرد، وضعیت جدید و ناآشنایی نیست، زیرا این زنان به نیکی به یاد دارند که در ایام کودکی به محض رسیدن به سن ده سالگی، پا به پای پدران و مادرانشان به کار در مزارع و انجام امور محوله در خانه مشغول می شدند.

یکی از وحشتناک ترین حملات و بمبارانهای رژیم بعث عراق علیه ایران، حمله به مناطق مسکونی و مرزی شهر سردشت با استفاده از گاز خردل و بر جای گذاشتن بیش از ۸۰۰۰ مصدوم و حدود یک هزار شهید است که به جرئت می توان گفت بیش از نصف این شهدا و جانبازان، زنان بوده اند؛ اما تاکنون از انعکاس وضعیت این زنان خودداری شده است که نشانه بارزی از تبعیض نسبت به آنان است.

یکی از وحشتناک ترین حملات و بمبارانهای رژیم بعث عراق علیه ایران، حمله به مناطق مسکونی و مرزی شهر سردشت با استفاده از گاز خردل و بر جای گذاشتن بیش از ۸۰۰۰ مصدوم و حدود یک هزار شهید است که به جرئت می توان گفت بیش از نصف این شهدا و جانبازان، زنان بوده اند؛ اما تاکنون از انعکاس وضعیت این زنان خودداری شده است.

بی تردید در طول تاریخ و جوامع مختلف، زنان دوشادوش مردان در تمامی صحنه ها حاضر بوده اند و به جرئت می توان گفت که در اغلب موارد، نقش آنها از مردان بیشتر بوده است. مردان در صحنه های نبرد، جنگاوران دلاوری هستند و زنان نیز یار و یاور این جنگاوران بوده اند. پیوسته گفته اند که زنان نیمی از اجتماع هستند، ولی آیا در تقسیم و تسهیم امکانات و دستاوردها هم این نسبت رعایت شده است؟ زن موجودی است که مرد از دامان او به معراج می رود، اما آیا احقاقیهایی که بر او می رود، متباین با این کلام و نادیده گرفتن این موجود حساس نیست؟

